

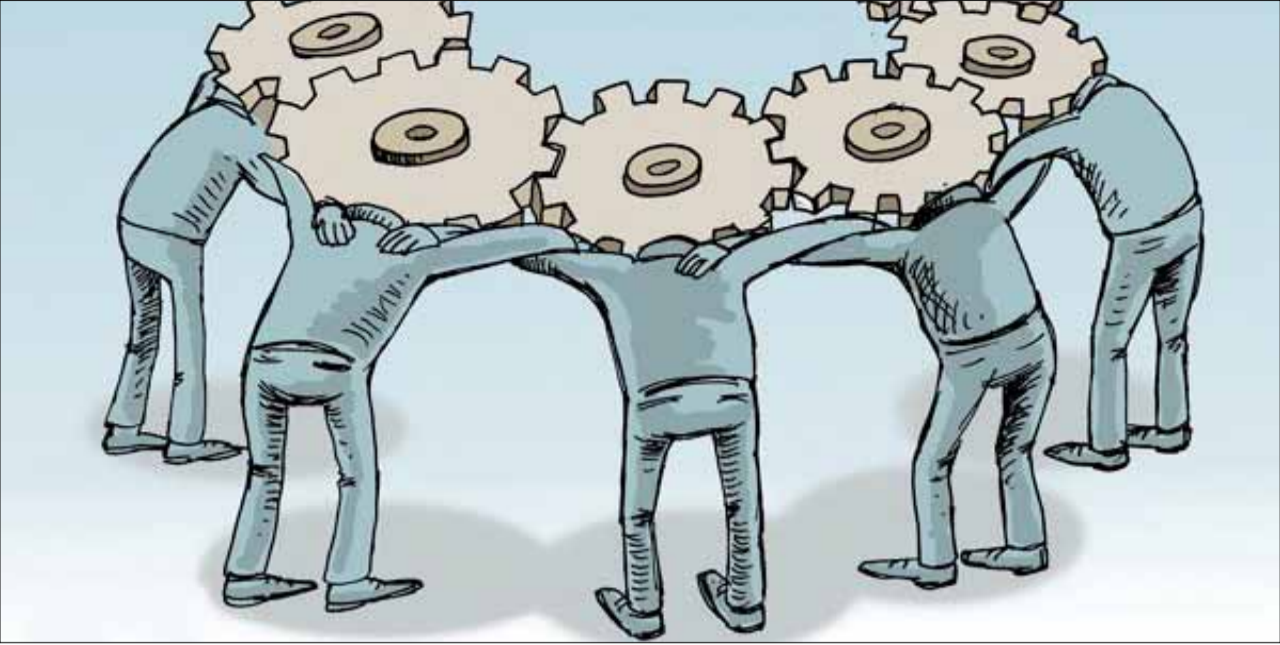
«مردم» به‌عنوان مهم‌ترین رکن هویتی جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیدایش انقلاب جایگاه ویژه‌ای در نظام فکری حضرت امام رحمة‌الله‌علیه داشتند. خلف صالح ایشان نیز در همان طریق استوار و پابرجا، حرکت رو به کمال انقلاب را هدایت کرده‌اند. نقش بی‌بدیل مردم در عرصه‌های مختلف که با حضور آگاهانه و از روی اختیار آحاد جامعه بویژه محرومان توأم بوده در عرصه‌های مختلف نظام آشکار است. هر جا نظام اسلامی توانسته است سازوکار مناسب برای حضور واقعی مردم به وجود آورد نتایج حیرت‌آوری حاصل شده است که محاسبه‌گران دنیایی از تحلیل آن عاجزند. مهم‌ترین این عرصه‌ها، پیروزی انقلاب و جنگ تحمیلی بود. در نظام فکری حضرت امام رحمة‌الله‌علیه، انقلاب با حضور آگاهانه، یکپارچه و دین محور مردم به پیروزی می‌رسد، تصور اینکه نظامی تا بن دندان مسلح و مورد حمایت قدرت‌های مسلط جهانی تنها با قدرت مردم سرنگون شود، جایی در محاسبات دنیازدگان نداشت و حضرت امام رحمة‌الله‌علیه با سازوکار مسجدجموری و بصیرت‌دهی توانستند این قدرت خفته را بیدار کرده و رژیم منحوس پهلوی را سرنگون کنند. در عرصه نبرد حق علیه باطل نیز همین‌گونه بود. مدتی طول کشید تا سازوکار بسیج مردمی برای حضور در جبهه به کارآمدی برسد اما با انسجام هدایتگری در سطوح مدیریتی و بلوغ سازوکار بسیج مردمی، ارتش متجاوز صدام با شکست‌هایی مواجه شد که بافرمول‌های رایج قابل توضیح نبودند. عرصه اقتصاد نیز میدانی است که در سال‌های اخیر نبرد واقعی در آن جریان دارد و «اقتصاد مقاومتی» سازوکاری است برای حضور واقعی مردم در عرصه اقتصاد تا ساخت درونی قدرت برای نظام اسلامی همچون سد سدیدش در مقابل زیاده‌خواهی استکبار مستحکم شود. حضرت امام رحمة‌الله‌علیه از سال‌های اول انقلاب بر حضور مردم در عرصه اقتصاد تأکید داشتند و در طول سال‌های هدایت داهبانه نظام بارها بر این موضوع تأکید کردند. مطالعه سخنان گهربار آن عزیز سفر کرده که همچنان روشنگر مسیر حرکتی نظام است و خواهد بود و اصول حاکم بر حرکت نظام را می‌توان از آنها استخراج کرد، نشان می‌دهد تأکید مؤکد حضرت امام رحمة‌الله‌علیه بر نقش آفرینی واقعی ومؤثر مردم بویژه محرومان در عرصه‌های اقتصادی است و در این مسیر، دولت کاروبارهایی دارد که تمرکز بر آنها نیست گر حضور مردم و مانع تمامیت‌بخشی عدای در جامعه خواهد بود.

- تفاوت اقتصاد اسلامی با ۲ مکتب دیگر**

امام خمینی رحمة‌الله‌علیه در وصیتنامه سیاسی- الهی‌شان، مرزبندی روشنی با ۲ مکتب حاکم و رایج آن روز اقتصاد جهان داشتند و به‌صراحت جایگاه اقتصاد اسلامی و تفاوت آن را با آن ۲ مکتب تبیین کردند: «یکی از اموری که لازم به توصیه و تذکر است، آن است که اسلام نه با سرمایه‌داری ظالمانه و بی حساب و محروم‌کننده توده‌های تحت ستم و مظلوم موافق است، بلکه آن را به‌طور جدی در کتاب و سنت محکوم می‌کند و مخالف عدالت اجتماعی می‌داند. و نه رژیم مانند رژیم کمونیسم و مارکسیسم-لنینیسم است که با مالکیت فردی مخالف و قائل به اشتراک هستند با اختلاف زیادی که دوره‌های قدیم تاکنون حتی اشتراک در زن و همچنین‌بازی بوده و یک دیکتاتوری و استبداد کوبنده دربر داشته… بلکه اسلام یک رژیم مبتدلی با شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف که اگر بحق به آن عمل شود چرخ‌های اقتصاد سالم به راه می‌افتد و عدالت اجتماعی که لازمه یک رژیم سالم است، محقق می‌یابد.»

- مردم و اقتصاد ایران و وابستگی**

حضرت امام رحمة‌الله‌علیه اصولاً مردم را زمینه و زمینه‌ساز



گفتاری از دکتر محمدجواد ایروانی درباره وابستگی اقتصادی از نگاه امام خمینی ^(د)

اگر مردم را شریک نکنید...

احتیاج داشته باشیم در ارزاق‌مان به خارج، این وابستگی برای ما اسباب این می‌شود که در امور سیاسی هم وابسته باشیم و ما باید وابستگی‌مان را از اجانب، غرب و شرق قطع کنیم. اگر ما بخواهیم مملکت‌مان یک مملکت مستقل آزاد مال خودمان باشد، باید در این اموری که مربوط به اقتصاد است، مربوط به فرهنگ است، مربوط به امور دیگر کشور است، خودمان فعالیت کنیم و ننشینیم دیگران انجام بدهند.»

- پیش‌بینی امام خمینی درباره تحریم اقتصادی ایران از سوی آمریکا**

حضرت امام رحمة‌الله‌علیه زمانی را پیش‌بینی می‌کردند که آمریکا بتواند همه قدرت‌ها را دور خودش جمع کند و تحریم اقتصادی ب‌وجود آورد. آن زمان اگر ساخت درونی قدرت اقتصادی ضعیف باشد، آسیب وارد خواهد شد: «شما می‌دانید اگر یک مملکتی در اقتصاد، خصوصاً این رشته اقتصاد که نان مردم هست در این احتیاج به خارج پیدا بکند و یک احتیاج مبرمی که نتواند خودش اداره کند خودش را و باید دیگران او را اداره کنند، این وابستگی اقتصادی، آن هم در این رشته، موجب این می‌شود که ملت ایران، مملکت ایران، تسلیم بشود به دیگران. اگر آمریکا موفق بشود در این مطلبی که الان پیش آورده است که همه قدرت‌ها را دور خودش جمع کند و حصر اقتصادی بکند نسبت به ایران، آن‌شالله موفق نمی‌شود. لکن ما باید طرف احتیاط را بگیریم.» به‌همین دلیل حضرت امام رحمة‌الله‌علیه با این استدلال که وابستگی اقتصادی کشور، سایر وابستگی‌ها را ب‌وجود می‌آورد و

■ ■ ■

از مادام‌العمر کردن ریاست هاشمی تا ۸ ساله خواندن دولت روحانی

تلاش برای ماندن در قدرت



طرفداران کارگزاران تشکیل می‌دهند- درصدد تهیه یک تومار به حمایت از آقای هاشمی‌فسنجانی و درخواست تمدید دوره ریاست‌جمهوری وی هستند. شه‌ریورماه ۷۵ هاشمی به اصفهان سفر کرد. طاهر‌ی‌اصفهانی امام جمعه وقت اصفهان که در مجلس گهرگانی که سال ۱۳۵۸ قانون اساسی را تدوین کرده بود، حضور داشت، پیش از سخنرانی هاشمی در جمع مردم اصفهان گفت: «گفم ما در مجلس خبرگان نمی‌دانستیم شخصیتهی مانند جنابعالی (خطاب به آقای هاشمی) عهده‌دار منصب ریاست‌جمهوری خواهید بود، هرگز محدودیتی را در انتخاب این مسؤولیت تصویب نمی‌کردیم.» ق‌برای آن روز روزنامه «سلام» به مدیریت‌مسؤولی موسوی‌خوئینی‌ها از دعوت عبدالله نوری که مردم برای جلوگیری از کنار رفتن هاشمی خیر داد. عبدالله نوری که در دولت اول هاشمی به وزارت کشور رسیده بود و حال نمایندگی مجلس پنجم را داشت، گفت: «صلحت نظام اسلامی و منافع کشور ایجاب می‌کند تا دوره ریاست‌جمهوری آقای هاشمی‌فسنجانی برای بار سوم تمدید شود. بنده متقدم نباید با استناد به منع قانون اساسی درباره تمدید دوره ریاست‌جمهوری آقای رفسنجانی دست‌های خود را ببندیم. از مردم می‌خواهم به عنوان یک وظیفه و برای قدردانی از آقای هاشمی و استمرار برنامه‌های سازندگی و توسعه کشور نگذارند وی کنار برود.» طاهر‌ی‌اصفهانی اما بحث تمدید ریاست‌جمهوری را به خطبه‌های نماز جمعه نیز کشاند. وی در نماز جمعه اصفهان ابراز امیدواری کرد بتوان به طریقی دوره ریاست‌جمهوری هاشمی را بار دیگر تمدید کرد. طاهر‌ی در این باره گفت: «ای کاش خدا بر ما منت بگذارد و آقای هاشمی‌رفسنجانی دوباره به مقام ریاست‌جمهوری انتخاب شود.» در همین زمان عبدالله نوری نیز گفت: «بنده دور از هر‌گونه جناح‌بندی و خطبایزی معتقدم نباید بااستناد به منع قانون اساسی درباره‌تمدیددوره‌ریاست‌جمهوری آقای‌هاشمی‌رفسنجانی دست‌های خود را ببندیم و کشور و نظام اسلامی را از وجود چنین شخصیت ارزنده و شجاع و مدیری محروم کنیم.» وی ادامه داد: «البته شنیدم‌ای ایشان با تمدید ریاست‌جمهوری مخالف هستند می‌گویند نباید کشور به فرد خاصی وابسته باشد ولی مردم ایران به‌عنوان قدرشناسی و استمرار برنامه‌های سازندگی وظیفه دارند نگذارند ایشان کنار برود.» اما حسین مرعی، برادر همسر هاشمی و عضو کارگزاران از همه برای تمدید ریاست‌جمهوری مشتاق‌تر بود. وی در جمع دانشجوین در پاسخ به منع قانون اساسی برای

در گفتارهای خود، امام خمینی به‌تکرار بر این موضوع تأکید کرده‌اند

بساطلی که در سابق بود. اما راجع به تجارت، راجع به صنعت، راجع به اینها اگر مردم را شریک خودتان نکنید، موفق نخواهید شد. یعنی نمی‌شود یک جمعیت کثیری را بدون شرکت خود جمعیت، بدون شرکت، مثل این است که ما بخواهیم کشاورزی را ما، خود دولت بکند، خ‌با دولت که نمی‌تواند کشاورزی بکند. کشاورزی را دولت باید تأیید بکند تا کشاورزها کشاورزی کنند. تجارت هم همین‌طور است. صنعت هم همین‌طور است. صنایعی که مردم از‌شان نمی‌آید، البته باید دولت بکند. کارهایی را که مردم نمی‌توانند انجام بدهند، دولت باید انجام بدهد. کارهایی که هم دولت می‌تواند انجام بدهد و هم مردم می‌توانند انجام بدهند، مردم را آزاد بگذارد که آنها بکنند، خودتان هم بکنید، جلوی مردم را نگیرید. فقط یک نظارتی بکنید که مبادا انحراف پیدا بشود. مبادا یک وقتی کالاهایی بیایورند که مخالف با اسلام است، مخالف با صلاح جمهوری اسلامی است.» در همین مسیر در بند ۷ پیام امام به ملت ایران که در واقع سیاست‌های کلی نظام در دوران بازسازی بود بر ۳ مقوله مهم تأکید کردند:

اول: استفاده از نیروهای عظیم مردمی در بازسازی و سازندگی، بها دادن به مؤمنین انقلاب بویژه جبهه‌رفته‌ها.
دوم: توسعه حضور مردم در کشاورزی و صنعت و تجارت و بازسازی شهرهای تخریب‌شده.
سوم: شکستن طلسم انحصار در تجارت داخل و خارج به افراد خاص متمکن و مرفه و بسط آن به توده‌های مردم و جامعه.

علاوه بر این حضرت امام رحمة‌الله‌علیه در پیام به ملت ایران در سالگرد پیروزی انقلاب می‌فرمایند: «چنانچه کرارا تذکر دادام بی‌شرکت ملت و توسعه بخش‌های خصوصی جوشیده از طبقات محروم مردم و همکاری با طبقات مختلف مردم با شکست مواجه خواهد شد. کشاندن امور به سوی مالکیت دولت و کنار گذاشتن ملت، بیماری مهلکی است که باید از آن احتراز شود و در این موضوع گزارش‌های مختلف می‌رسد و هیأت دولت موظف است این امر را به‌طور همگانی گزارش دهد و کیفیت عمل را در اختیار عموم گذارد و ایسن امر را جدی تلقی کند و تذکر این نکته مهم است که دخالت دادن کسانی که در امور تجارت واردند، از بازاریان محرومیت کشیده و درد اسلام و انقلاب چشیده تا متخصصان وارد و مسلمان و متعهد از امور ضروری است. دولت و این دوستان باید دقیقاً توجه کنند که آزادی بخش خصوصی به صورتی باشد تا هر چه بهتر بشود به نفع مردم محروم و مستضعف کار کرد؛ نه چون گذشته تعدادی از خ‌با بی‌خبر در تمام امور تجاری و مالی مردم سلطه پیداکنند.»

- جمع‌بندی**

در مختصر جستاری در فرمایشات حضرت امام رحمة‌الله‌علیه-که در دسترس همگان قرار دارد- رویکرد‌های زیر ملاحظه می‌شود:

اول: وابستگی اقتصادی ریشه سایر وابستگی‌هاست.

دوم: وابستگی موجب رفتن زیر بیرق کفر است.

سوم: فعالیت در جهت رفع وابستگی یک تکلیف شرعی و همگانی است.

چهارم: مردم باید حضور همه‌جانبه در اقتصاد داشته باشند.

پنجم: نظارت دولت در اموری که مردم می‌توانند انجام دهند، هدایتی و نظارتی است.

ششم: انحصار اقتصاد باید شکسته شود و به توده مردم بسط داده شود.

هفتم: اقتصاد اسلامی مرزبندی روشنی با اقتصاد سرمایه‌داری و کمونیستی دارد.

منبع: **Khameneir**.

اقدام خواهند کرد. بهتر است کسانی که داعیه اطاعت از رهبری دارند، مواضع و دیدگاه‌های خود را با رهنمودهای مقام ولایت هماهنگ کنند. علی‌اکبر محتممی‌پور هم در گفت‌وگو با رسالت به پیشنهاددهندگان این طرح تاخت و گفت: «پیشنهاددهندگان تغییر قانون اساسی خواسته‌اند بگویند بعد از آقای هاشمی دوش هیچ فرد دیگری تحمل این بار سنگین را ندارد و این اهانت است.» آیت‌الله محمد‌ی‌کرمانی، عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز هم گفت: «قانون اساسی مانند سایر قوانین نیست که سریع دستخوش تغییر و تحول شود، بلکه یک قانون کلی برای اداره کشور و تنظیم روابط دستگاه‌هاست و نباید به‌سادگی آن را دچار تغییر کرد.» سرانجام مقام معظم رهبری پس از چندین بار اعلام مخالفت، صریحاً در سفری استانی (ارومیه) در این زمینه موضع‌گیری کردند: «رئیس‌جمهوری محترم، حقاً و انصافاً عمر و زندگی خود را چه پیش از انقلاب و چه بعد از آن وقف اسلام کرده و در تمامی مسؤولیت‌های سنگینی که تاکنون بر عهده داشته، منشأ خدمات بزرگ و ارزنده‌ای بوده‌اند و بی‌تردید بعد از پایان دوره ریاست‌جمهوری نیز در مسؤولیت‌های بزرگ دیگری که بر عهده می‌گیرند وجود ایشان برای نظام اسلامی و انقلاب و کشور بسیار نافع و ارزشمند خواهد بود.» به هر حال طرح کارگزاران در تمدید دوره ریاست‌جمهوری هاشمی با مخالفت صریح مقام معظم رهبری و اکثریت جریانات سیاسی کشور و مغایرت با قانون اساسی هیچگاه عملی نشد و تا‌کام ماند. بااین وجود بعداز مخالفت صریح رهبری و به بن‌بست رسیدن این طرح، اطرافیان هاشمی خواسته‌ست خلاف قانون اساسی دیگری را مطرح کردند. عطاء مهاجرانی اظهار داشت: «بست ریاست‌جمهوری پستی معمولی نیست. من معتقدم رئیس‌جمهوری باید جامعیت داشته باشد، چهره‌ای باشد که مردم بتوانند امید و اطمینان از او آمان خود را در چهره او ببینند، چهره قابل اتکای یک ملت بزرگی مانند ملت ما باشد، در یک موقعیتی که با توجه به قانون اساسی دومین مقام رسمی کشور است. اگر چه بنده اعتقاد دارم بعد از هاشمی‌فسنجانی هر کس رئیس‌جمهوری بشود نگر سوم کشور خواهد بود.» حسن روحانی نیز به تکرار این سخنان پرداخته و گفت: «رئیس‌جمهور آینده فرد سوم مملکت خواهد بود.» آنچه در دولت روحانی نیز مبنی بر ۸ ساله بودن دولت و بی اتفاق افتاد ش‌مایی کوچک از پروپاگانداپی بود که جریان کارگزاران برای هاشمی ایجاد کرد و به نتیجه نرسید. نقطه مشترک وجود این رفتارها اما بیشتر به بحران کارآمدی و بحران محبوبیت بازمی‌گردد. چنانکه در این مقاله نیز مشخص است سقوط ۵ میلیون‌اری آقای هاشمی در دوره دوم ریاست‌جمهوری و در ادامه شکست هاشمی در انتخابات‌های بعدی که به‌صورت مستقیم غیرمستقیم در آنها حضور داشت بیاترنگ همین مطلب است البته بیان آن در دولت فعلی نیز تلاشی است برای راهی‌ای از مسائل اصلی و عمده وجود بحران کارآمدی در دولت، حال آنکه مساله اساسی مردم امروز حل مشکلات اقتصادی است.